

بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی و مشارکت سیاسی بین دانشجویان دانشگاه‌های تهران*

دکتر محمدرضا تاجیک**

روح‌الله جعفری***

چکیده

عصر کانونی نظریه سرمایه اجتماعی اهمیت روابط است. منابع و دارایی که از روابط (بین اعیانی و بین اذهانی) افراد ناشی می‌شود، قابلیت تسهیل کنش‌های همکاری‌جویانه جمعی از جمله مشارکت سیاسی را داراست. مقاله حاضر به بررسی رابطه سرمایه اجتماعی و مشارکت سیاسی می‌پردازد. جامعه آماری این مطالعه دانشجویان دانشگاه‌های تهران (امیرکبیر، بهشتی، تهران و علامه) است. حجم نمونه ۳۸۰ نفر، روش پیمایشی و تکنیک گردآوری داده‌ها پرسش‌نامه بوده است.

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که سرمایه اجتماعی با مشارکت سیاسی (متعارف و غیرمتعارف) رابطه مثبت و معنی‌داری دارد. کلیدواژه‌ها: سرمایه اجتماعی، مشارکت سیاسی، مشارکت اجتماعی، روابط اجتماعی، تعهد مدنی و اعتماد اجتماعی.

* مقاله حاضر برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد، گروه علوم سیاسی در دانشگاه شهید بهشتی تحت عنوان بررسی رابطه سرمایه اجتماعی و مشارکت سیاسی می‌باشد.

** عضو هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی

*** دانشجوی کارشناسی ارشد علوم سیاسی دانشگاه شهید بهشتی.

مقدمه

در چند سال اخیر سرمایه اجتماعی به عنوان یکی از عمومی‌ترین تئوری‌های جامعه‌شناختی وارد ادبیات معاصر شده و در مقام مفهومی میان‌رشته‌ای در حوزه‌های گوناگون مورد استفاده قرار گرفته است.

نظریه سرمایه اجتماعی علی‌رغم تازگی و بداعت، از پیشینه‌ای دیرین برخوردار است. به عبارت دیگر جامعه‌ای نو و طبقه‌بندی جدید از حقایق و واقعیت‌های قدیمی است. این که مباشرت و مشارکت در گروه‌ها (بعد عینی و ساختاری) می‌تواند تبعاتی مثبت برای فرد و جامعه داشته باشد، به تأکید دورکیم بر حیات گروهی و به تعبیر زیمل (۱۹۵۰) بر بعد ارتباطی و شبکه روابط باز می‌گردد. هم‌چنین نگاهی که پاتنام به این موضوع، در حوزه مسائل سیاسی دارد در راستای رویکرد توکویل، در زمینه مشارکت در سازمان‌های داوطلبانه می‌باشد. حقیقتی که انجمن‌های داوطلبانه موجب تشویق فعالیت‌های سیاسی بین اعضاء می‌شود، دست‌کم به مطالعه فرهنگ مدنی آلموند وریا (۱۹۶۳) برمی‌گردد. از این رو پورتنس بر این باور است که «پدیده‌هایی که امروزه به عنوان شاخص‌های سرمایه اجتماعی توصیف می‌شوند تحت عناوین مختلف در گذشته مورد مطالعه قرار گرفته‌اند».

یکی از فرایندهای سیاسی که در جهان معاصر به خصوص از دهه‌های پایانی قرن بیستم نمود بیش‌تری یافته، یگانگی سیاسی است. نظریه سرمایه اجتماعی در راستای پاسخ به مسئله عدم تعهد شهروندان به امور و نهادهای سیاسی و هم‌چنین در صدد شناخت رکورد و یگانگی سیاسی آنان است. در این راستا سرمایه اجتماعی با بازگشت به متن اجتماع، و با تأکید بر نقش روابط اجتماعی، در پی بسیج شهروندان یگانه از سیاست است تا کنش‌ها و اعمال سیاسی آن‌ها را در جامعه تسهیل نماید. بنابراین سرمایه اجتماعی در تحلیل رفتارهای فردی و جمعی، در پی حل مسائل جمعی بوده و به نتایج جمعی حاصل از آن می‌پردازد. دلیل آن نیز نقش مهم این عامل در توانمندسازی افراد در تشکیلاتی کردن کنش‌های آنان می‌باشد.

پژوهش‌های مختلف در ایران، از سطح پایین شاخص‌های سرمایه اجتماعی حکایت می‌کنند. هم‌چنین در زمینه وضعیت نگرش نسبت به مهم‌ترین مسائل جامعه، مشارکت در سیاست برای مردم کم‌ترین اهمیت را دارد؛ یعنی در نظر مردم، حفظ نظم و قانون، رفاه و آزادی به ترتیب از اولویت بالایی نسبت به دخالت در سیاست برخوردار است.

از این رو ضرورت بررسی میزان سرمایه اجتماعی و مشارکت سیاسی با این فرض که هم انگیزه و هم ظرفیت مشارکت در سیاست ریشه در نهادهای بنیادین غیرسیاسی دارند که افراد در طول حیات خود با آنها درگیرند، حائز اهمیت است.

پژوهش حاضر نخست به بررسی مفهوم اجمالی سرمایه اجتماعی می‌پردازد، سپس با بهره‌گیری از مبانی نظری به ترسیم الگوی نظری و ارائه فرضیات پرداخته و بر اساس یافته‌های پژوهش، فرضیه‌ها را مورد آزمون قرار می‌دهد.

واکاوی ادبیات تحقیق

سرمایه اجتماعی

نظریه سرمایه اجتماعی علی‌رغم پیشینه ذهنی طولانی - هنی فن (۱۹۱۶) - مفهومی جدید در حوزه مطالعات انسانی است که با پژوهش‌های سازنده جیمز کلمن (۱۹۸۸) جامعه‌شناس تئوری عقلانی درباره آموزش و پرورش، بورديو در مورد انواع سرمایه (۱۹۸۶)، فوکویاما در زمینه فرهنگ و پائنام (۲۰۰۰-۹۵-۱۹۹۳) در حوزه علوم سیاسی - مشارکت مدنی و عملکرد نهادی - بسط یافته است.

نویسندگان مختلف سرمایه اجتماعی را در سه سطح (خرد، میانی و کلان) مورد استفاده قرار داده‌اند. وجه مشخصه مفهوم مذکور این است که برخی منبع و سرمایه فردی (بریم و ران) و عده‌ای (پائنام، کلمن) دارایی جمعی به حساب می‌آورند؛ به باور مک کارتی، برخلاف دیگر کالاها سرمایه اجتماعی دارایی خصوصی افراد نیست بل که محصول روابط خاص است. بیش‌تر اندیشمندان موافقند که هم جمع و هم تک‌تک اعضاء از روابط اجتماعی و منابع و متعلقات آن (اطلاعات، اعتماد و هنجارها) سود می‌برند. بنابراین سرمایه اجتماعی هم به‌عنوان کالای جمعی و هم به‌عنوان کالای فردی قابل توجه است.

پکستن سرمایه اجتماعی را، آن دسته از روابط اجتماعی می‌داند که تولید کالاهای مادی یا غیرمادی را تسهیل می‌نماید و برای آن دو بعد اصلی عینی و ذهنی متصور است؛ سرمایه اجتماعی هم روابط بین افراد را در بر می‌گیرد (بعد عینی) که کلمن بر آن تأکید نموده است و هم این‌که، روابط باید بر اساس تئوری بورديو، ذهنی، مبتنی بر اعتماد و مثبت باشد (بعد ذهنی). پس سرمایه اجتماعی زمانی به‌وجود می‌آید که از یک طرف افراد بتوانند به شیوه‌های

رسمی و غیررسمی و از طریق انواع پیوندهای شبکه‌ای با یکدیگر در ارتباط باشند و از طرف دیگر، این روابط مبتنی بر اعتماد متقابل و بر اساس هیجان‌ات و احساسات مثبت باشد. بنابراین سرمایه اجتماعی حاصل جمع و تلفیق دو بعد شناختی و ساختاری است که بعد شناختی - بخش انتزاعی و اغسب ذهنی - سوق‌دهنده و ایجادکننده شرایط، مجموعهٔ هنجارها و نگرش‌های ذهنی است که همکاری را ممکن می‌سازد و بعد ساختاری - جنبه نسبتاً عینی و ملموس - شبکه‌ها و سازمان‌هایی هستند که از طریق آنها، کنش و همکاری برای نیل به فایده مشترک تسهیل می‌شود. دو بعد حائز اهمیت‌اند؛ زیرا پتانسیل اقدامات جمعی در هر جامعه منوط به ترکیب هر دو جنبه با یکدیگر است. هارفام (Harpham) معتقد است که جنبه ساختاری سرمایه اجتماعی امکان دسترسی افراد به نهادهای رسمی و غیررسمی را فراهم می‌نماید و جنبه شناختی سرمایه اجتماعی احساس امنیت و اعتماد به نفس را در فرد افزایش می‌دهد و از آن طریق توانایی فرد را بالا می‌برد. به نظر کریشنا جوامعی که سرمایه اجتماعی بالاتری دارند، اغلب کار و فعالیت‌های جمعی را بیش‌تر و بهتر از جوامعی که سرمایه اجتماعی کمتری دارند، تقبل می‌کنند.

از لحاظ گونه‌شناختی نوع سرمایه اجتماعی از هم قابل تفکیک است: یکی سرمایه اجتماعی محدود یا برون‌گروهی و دیگری سرمایه اجتماعی فراگیر یا برون‌گروهی است. سرمایه اجتماعی محدود (Bonding) در میان مجموعه‌ای از اشخاص همانند، دوستان، آشنایان و همسایگان یافت می‌شود. در این نوع از سرمایه، اعتماد و روابط بین افراد و گروه‌های همانند و آشنا نسبت به افراد و گروه‌های ناآشنا در درجه بالایی قرار دارد. اما سرمایه اجتماعی فرایر (bridging) که روابط بین گروه‌های مختلف یا ناهمگن و افرادی که از جهت دیگر با همدیگر آشنا نیستند ایجاد، حفظ و گسترش می‌دهد. این گونه سرمایه روابط متقاطع شامل می‌شود و زمانی شکل می‌گیرد که اعضای گروه‌ها با یکدیگر ارتباط برقرار می‌کنند تا به اطلاعات مورد نیاز دسترسی یافته یا حفظ نمایند.

مبانی نظری

در ادبیات سیاسی، نظریه‌ها در سه سطح کلان، میانی و خرد، چگونگی و چرایی دخالت شهروندان را در امور عمومی توضیح و تبیین می‌نمایند. در سطح تحلیل خرد، فرد و کنشگر مدنظر است. اما در سطح میانی و کلان، فرآیندها و ساختارها مورد توجه قرار می‌گیرند. از این رو می‌توان عوامل مؤثر بر فعالیت سیاسی شهروندان را در این سه سطح تحلیل نمود. هر

چند که تفکیک سطوح سه گانه به دلیل ارتباط این سطوح امکان پذیر نیست و این موضوع تبیین تک سطحی را بی اعتبار می سازد. بنابراین ابتدا نگاهی گذرا به نظریه های سطح کلان و خرد می شود، سپس در سطح میانی نظریه سرمایه اجتماعی بسط می یابد.

در سطح کلان: یکی نظریه های مدرنیزاسیون اجتماعی است که در جامعه شناسی کلاسیک ماکس وبر، و امیل دورکهام ریشه دارند؛ زمینه های اقتصادی، اجتماعی را از تعیین کننده های مهم مشارکت سیاسی می دانند و بر مبنای مطالعات و پژوهش های سیمون مارتین، لیست، لرنر، رستو و کارل دویچ، و بیل، بردی (Bordy) و ریای، نای، کیم (Kim) و سیدنی تارو گسترش یافتند. دیگری نظریه های ساختار دولت است که اهمیت نهادهای سیاسی را برجسته می نماید زیرا عوامل نهادی بر فرصت ها و محدودیت های تمرکز می کنند که ساختار دولت در پیش روی مشارکت کنندگان قرار می دهد.

در سطح خرد نظریه منابع مطرح است؛ منابع به مجموع توانایی های مادی و معنوی افراد گفته می شود که آن ها را به عرصه فعالیت سیاسی سوق می دهد. مهم ترین منابع فردی عبارتند از: دانش، دارایی، زمان. بر این اساس، مشارکت سیاسی در وهله اول ساخته و پرداخته کسانی است که از پول و وقت کافی بهره مند هستند و به یمن فراغت می دارند، به این امر می پردازند. پژوهشگران برای تکمیل نظریه و الگوی یاد شده ویژگی های فردی دیگری (سن، آموزش، درآمد، وضعیت شغلی، تأهل و...) نیز افزوده اند.

در سطح میانی تئوری سازمان های بسیج گر؛ نظریه سرمایه اجتماعی (پاتنام، پکستن، دو توکویل کریشنا) قرار دارد. سرمایه اجتماعی در سطح میانی که به سرمایه اجتماعی همانندی (linking) نیز معروف است شامل پیوندها و روابط عمودی است؛ و به روابط حاکم میان اعضای گروه ها سازمان ها و بنگاه ها می پردازد یعنی علاوه بر پیوندهای افقی، پیوندهای عمودی (رفتار حاکم میان گروه ها) را نیز شامل می شود. با تعریف سرمایه اجتماعی در این رتبه در حقیقت به کارکرد آن در سازمان متمرکز می شویم که در برگیرنده سازمان ها، مؤسسات و انجمن های داوطلبانه است. در این سطح قابل تحلیل است به عبارت دیگر سازمان های میانی که بعد ساختاری سرمایه اجتماعی را شکل می دهد، به واسطه بسیج سیاسی و با ایجاد حس همکاری، تعهد و اعتماد متقابل، کنش جمعی از جمله مشارکت سیاسی را تسهیل می کند.

تئوری‌های سازمانی، بر نقش آن دسته از نمایندگی‌ها (احزاب، اتحادیه‌ها و کلیساهای و انجمن‌های داوطلبانه) و شبکه‌های اجتماعی تأکید می‌کنند که شهروندان را در امور سیاسی فعال و بسیج گروهی تسهیل می‌نمایند و کارکرد عضوگیری، تشکل و ایجاد تعهد را نیز برعهده دارند. تأکید پرتنام بر نقش سرمایه اجتماعی، در این دسته‌بندی جای می‌گیرد. بر اساس تئوری سرمایه اجتماعی همه انواع انجمن‌های داوطلبانه، گروه‌های اجتماعی، سازمان‌های خصوصی و نهست‌های چهره به چهره به شبکه‌های مدنی مترکم و گسترده کمک و در نتیجه پیوندها، اعتماد اجتماعی را تقویت می‌کند. و علاوه بر این کنش‌های همکاری‌جویانه در مسائل، موضوع‌ها، روابط و علایق عمومی را افزایش می‌دهد. بنابراین حضور شهروندان در حوزه عمومی تشویق و تسهیل می‌شود.

توکویل کارکرد سیاسی و اجتماعی سرمایه اجتماعی در دموکراسی مدرن را «هنر به هم پیوستگی یا انجمن» می‌داند. تنها با گرد آمدن در انجمن‌های مدنی افراد ضعیف قدرت می‌گیرند و می‌توانند مستقیماً در حیات سیاسی شرکت نمایند. انجمن‌ها حامیان خود را جمع می‌کنند و آن‌ها را در راه دستیابی به هدف خویش وارد معرکه می‌نمایند، این حامیان با یکدیگر آشنا می‌شوند و تعداد زیاد آن‌ها باعث افزایش غیرت و تعصب می‌شود، یک انجمن نیروی افکار پراکنده را متحد می‌کند و با قدرت، آن‌ها را به یک هدف کاملاً معین هدایت می‌نماید.

به باور پاتنام اعتماد متقابل به واسطه تجربه‌های تعامل چهره به چهره با مردم در زمینه‌های مختلف شکل می‌گیرد؛ انجمن‌های داوطلبانه بستر چنین تعامل‌هایی هستند، زیرا آن‌ها شبکه‌هایی را خلق می‌کنند که اجازه می‌دهد اعتماد اجتماعی در سرتاسر جامعه منتشر شود. انجمن‌ها درگیری مدنی را ایجاد و اعضا را برای تأثیرگذاری بر امور عمومی توانا می‌سازند. وی انجمن‌های داوطلبانه را منبع نخستین اعتماد اجتماعی، شبکه‌های اجتماعی افقی و دخالت مدنی می‌داند که سرمایه اجتماعی برآیند آن‌هاست.

ایده اصلی پاتنام این است که سرمایه اجتماعی شرایطی را فراهم می‌نماید که تحت آن کنش جمعی تسهیل می‌شود. وی برای انجمن‌ها کارکرد درونی و بیرونی قائل است؛ اثر درونی بر مشارکت‌کننده‌ها و اثر بیرونی انجمن‌ها بر سیستم سیاسی است. به لحاظ بیرونی آن‌ها در مقام کانال‌های مؤثر عمل می‌کنند و بین اعضاء و سیستم سیاسی حلقه‌ها و روابط نهادی ایجاد و به‌عنوان نهادهای میانی عمل می‌کنند. تنظیم و تألیف

منافع و ارزش‌ها از طریق وجود شبکه‌های متراکم انجمن‌های ثانویه آسان می‌شود و همکاری اجتماعی افزایش می‌یابد. تأثیر درونی انجمن‌ها منحصرأً به تشکیل سرمایه اجتماعی در سطح خرد مرتبط است. انجمن‌ها به اعضایشان عادت‌های همکاری، همبستگی و روحیه و شور عمومی را القاء می‌کنند. از جهت دیگر تأثیر آموزشی دارند، زیرا مشارکت‌کنندگان، مهارت‌ها، صلاحیت‌ها و شایستگی‌هایی به دست می‌آورند که برای تشکیل دموکراسی مهم است. به‌طور کلی انجمن‌های داوطلبانه به واسطه کارکردهایی چون اجتماعی شدن، سیاسی شدن، رهبری و افزایش تأثیرگذاری با مشارکت سیاسی مرتبط هستند.

شبکه‌های روابط اجتماعی با تقویت «احساس تعلق»، «توانمندسازی» و «تجربه اجتماعی شدن» مشارکت سیاسی را افزایش می‌دهند. به نظر مایلر مردم به سه دلیل در سیاست شرکت نمی‌کنند؟ «یا نمی‌توانند یا نمی‌خواهند، و یا از آن‌ها دعوت و درخواستی نشده است». دلیل آخر به اهمیت بالقوه شبکه‌هایی اشاره دارد که به واسطه آن‌ها مردم با سیاست پیوند می‌یابند. انجمن‌های داوطلبانه به سه طریق مختلف بر میزان مشارکت سیاسی تأثیر می‌گذارند:

۱. سازمان‌ها عرصه‌ای فراهم می‌آورند که از طریق عضوگیری متقابل، فعالیت سیاسی تشویق شود.

۲. اعضای سازمان‌ها احساس تأثیرگذاری و اعتماد به نفس بیشتری نسبت به دیگران دارند از این‌رو خواهان انجام کنش در محیط اجتماعی‌اند.

۳. افرادی که به انجمن‌های داوطلبانه می‌پیوندند، از سوی فعالان حزبی سیستم سیاسی، مورد هدف بسیج سیاسی قرار می‌گیرند.

به‌طور کلی نظریه سرمایه اجتماعی نتایج سیاسی را از تعامل‌های اجتماعی غیرسیاسی استخراج می‌کند. این تعامل‌ها در بستر طیف وسیعی از گروه‌های اجتماعی اتفاق می‌افتد که عموماً کارکرد تجدید نیرو بخشیدن به زندگی سیاسی دارند. به‌گونه‌ای که مشارکت در بسترهای غیرسیاسی مانند محیط کار، انجمن‌های داوطلبانه و کلیسا، عامل مهم و تعیین‌کننده در توضیح و تبیین کیفیت نهادهای سیاسی و امکان مشارکت سیاسی است. برخی شاخص‌های سرمایه اجتماعی از قبیل اعتماد، شبکه‌ها، انجمن‌ها و هنجارهای تأثیر متقابل، مردم را قادر می‌سازد به اهدافی نایل شوند که در صورت غیاب

آن‌ها بدان دست نمی‌یابند. اعضای شبکه‌ها، در جایی مشارکت می‌کنند که تقاضا وجود دارد. انگیزه و ظرفیت فعالیت سیاسی، در محیط‌های غیرسیاسی از قبیل خانواده، مدرسه، محل کار، کلیسا و سازمان‌ها و نهادهای غیرسیاسی ریشه دارد. افراد انگیزه‌ها، فرصت‌ها و منابع مربوط به سیاست را در چنین بسترهایی کسب و توسعه می‌دهند. هم‌چنین این نهادها با ایجاد و تقویت احساس تعهد روانی، فعالیت سیاسی اعضا را گسترش می‌دهند. پیوندهای نهادهای غیرسیاسی که در بستر شبکه‌های وسیع بین‌شخصی و روابط میان‌آشنایان، دوستان و خویشاوندان جاری است به شکل‌دهی فعالیت‌ها و توسعه مهارت‌ها و منابع مرتبط با سیاست کمک می‌کند و مشارکت سیاسی را تسهیل می‌نماید. علاوه بر این بعد شناختی و بین‌ذهنی سرمایه اجتماعی که حاصل تعهد به هنجارها و ارزش‌های مشترک حاصل است، تعهد مدنی و سیاسی افراد را افزایش می‌دهد و آن‌ها را برای کارهای جمعی هم‌نوا می‌کند.

اعتماد عنصر اصلی سرمایه اجتماعی است؛ بر اساس نظریه‌های فرهنگی، مردمی که به همدیگر اعتماد دارند، بیش‌تر با همدیگر همکاری می‌کنند و نهادهای متعدد اعم از رسمی (انجمن‌های اجتماعی) و غیررسمی تشکیل می‌دهند. هر چه عضویت و فعالیت شهروندان در انجمن‌ها و نهادها و گروه‌ها بیش‌تر باشد، هنجارهای همکاری متقابل افزایش می‌یابد، در نتیجه اقدام جمعی آن‌ها در سیاست تسهیل می‌گردد. تأثیر اعتماد بر مشارکت سیاسی به دو صورت می‌باشد: یکی این‌که اعتماد متقابل افراد در گروه‌ها و انجمن‌ها به شکل‌گیری همکاری جمعی کمک می‌کند و همکاری جمعی، قابلیت انطباق به مسائل مختلف از جمله فعالیت سیاسی دارد. (فرایند بالا به پایین). دیگر این‌که، اعتماد مشوق اشخاص برای همکاری و عضویت در انجمن‌های داوطلبانه و سازمان‌های مختلف است و این نهادها با التاء و تقویت تعهد به هنجارها و ارزش‌های مشترک، تعهد مدنی و سیاسی اعضا را افزایش می‌دهد و آن‌ها را برای اهداف مشترک هم‌نوا می‌کند (فرایند پایین به بالا).

مشارکت در زندگی سیاسی با هزینه‌هایی چون صرف وقت، توان و منابع همراه است. از این‌رو چشم‌انداز هزینه - فایده، از انگیزه‌ها و محرک‌های تعیین‌کننده مشارکت سیاسی است. طبیعتاً هر چه هزینه‌های مشارکت کمتر باشد میزان مشارکت افزایش می‌یابد. اما اغلب مشارکت در اعتراض سیاسی، به دلیل پیش‌بینی ناپذیری هزینه‌ها و سودهای مورد انتظار

مشارکت‌کنندگان کاهش می‌یابد. بنا به نظر دنیس کانی (Dennis chony) در رفتار اعتراضی، مشارکت شخص به ارزیابی وی از میزان مشارکت دیگران وابسته است. زیرا تعداد زیاد مشارکت‌کنندگان هزینه‌های مورد انتظار مشارکت را کاهش می‌دهند. اعتماد بین شخصی آمادگی افراد را برای شرکت در فعالیت‌های اعتراضی بیشتر می‌کند؛ به خصوص زمانی که آزادی‌های مدنی و سیاسی وجود نداشته باشد. در نظام‌های غیردموکراتیک، وجود اعتماد بین شخصی مهم‌ترین سامان‌دهنده در احیای کنش‌های جمعی است؛ زیرا این‌گونه اعتماد، اجازه می‌دهد افراد نسبت به حضور و کنش دیگران حساب نمایند و این باور موجب دلگرمی و افزایش اعتماد به نفس آن‌ها می‌شود. هرچند که احتمال مشارکت اعتراضی، به مجموعه‌ای از منابع شخصی، شکایت عینی از رژیم و کیفیت روابط معترضین با هم بستگی دارد اما گونه‌های خشونت‌آمیزتر اعتراض، با توجه به هزینه بالا، لزوماً متکی به اعتماد است.

بی‌اعتمادی و بدبینی سیاسی، نوعی خودبیگانگی، حس بی‌اعتمادی به حکومت و رهبران سیاسی است. اثر این جهت‌گیری‌ها بر مشارکت در اشکال متعارف و غیرمتعارف آن نمود می‌یابد. به‌طور کلی ماتریس مشارکت سیاسی با درایه‌های اعتماد (بالا و پایین) و تأثیرگذاری (بالا و پایین) چنین قابل ترسیم است.

| تأثیرگذاری | اعتماد | |
|------------|--|----------------------------------|
| | بالا | پایین |
| بالا | فعال، وفادار و مشارکت متعارف | کنش تندروانه یا مشارکت غیرمتعارف |
| پایین | مشارکت جمعی، ملی‌گرایانه و آیینی (رای دادن، رژه و سرپازی رفتن) | کناره‌گیری از سیاست |

برخی بر این نظرند؛ زمانی که مردم اعتماد سیاسی کمی دارند، به احتمال زیاد در حوزه سیاسی دخالت نمی‌کنند؛ یا آنکه آلترناتیوی برای تقاضای سیاسی برمی‌گزینند. کاسی (kaase) زمانی که اعتماد سیاسی شهروندان پایین است، چندین گزینه متصور می‌شود؛

۱. موجب دخالت فعال شهروندان در مشارکت سیاسی غیرنهادینه می‌شود.

۲. گاهی بی‌اعتمادی به نهادهای سیاسی، منجر به کنش سیاسی فعال شهروندان می‌شود.

۳. مواقعی هم فعالان سازمانی که به احزاب و حکومت بی‌اعتمادند، از سیاست نهادی اجتناب نموده و در عوض دخالت و جهت‌گیری سیاسی جدیدی را تعریف و دنبال می‌نمایند.

۴. در همین حالت بیش تر افراد نسبت به سیاست بی تفاوت می شوند. آلبرت بندورا کنش سیاسی را متأثر از یک عامل فردی تحت عنوان اعتماد به نفس و یک ساختار به عنوان اعتماد به محیط سیاسی می داند، مطابق آموزه بندورا «اعتماد سیاسی فرایندی است که مرکب از اعتماد به دولت و اعتماد به نفس سیاسی است». ماتریس مشارکت سیاسی با درایه های اعتماد به دولت (بالا و پایین) و اعتماد به نفس (بالا و پایین).

| | | | |
|---------------|-------|---------------------|-------------------|
| اعتماد به نفس | بالا | اعتماد به دولت | |
| | | بالا | پایین |
| | بالا | رفتار مشارکت جویانه | رفتار اعتراضی |
| | پایین | رفتار تبعی | رفتار انزواجویانه |

سرمایه اجتماعی محصول تعامل اجتماعی منظم و باثبات است و لزوماً در ساختار روابط بین کنشگران جاریست؛ یعنی به واسطه شبکه های روابط تولید می شود و غیاب چنین روابطی معادل عدم ایجاد سرمایه اجتماعی است. بخشی از سرمایه اجتماعی که با مسائل سیاسی مرتبط است، برآیند تعامل سیاسی است که از شبکه های روابط ناشی می شود. برخی از عناصر سرمایه اجتماعی که با فعالیت های سیاسی مرتبط است شامل: (۱) تعداد افراد یک شبکه، (۲) سطح و میزان دانش و تخصص سیاسی میان افراد در داخل شبکه های شخصی، (۳) تکرار و کثرت تعامل سیاسی با دیگران است. این ابعاد تعهد سیاسی افراد را تقویت می کنند. تعامل با افرادی که در مورد مسائل سیاسی بحث می کنند، و صاحب نظرند دائماً فرصت هایی برای کسب و انتقال اطلاعات و تخصص های سیاسی فراهم می کند. اهمیت اطلاعات در این است که فعالیت سیاسی نمی تواند مفهوم داشته باشد مگر این که مبتنی بر آگاهی باشد، پس هزینه اطلاعات نخستین هزینه مشارکت سیاسی است. از این رو گرانووتر (Granovetter) شبکه ها را ساختاری می داند که جریان اطلاعات به کنشگران را میسر می سازند.

اندازه و وسعت شبکه به افراد اجازه می دهد تا در معرض اطلاعات و مهارت های بیش تری قرار گیرند. هم چنین تخصص های سیاسی در درون شبکه افزایش می یابد، پس سرمایه اجتماعی فقط از طریق تعامل و الگوهای وابستگی متقابل بین مردم اتفاق می افتد. و سپس نتایجشان برای افراد باید از طریق الگوهای تعامل ارزیابی شود. در نتیجه کمیت، کیفیت، دامنه و وسعت روابط می تواند در مشارکت سیاسی مؤثر باشد.

روابط اجتماعی، خانوادگی، دوستی و به خصوص همسایگی (روابط درون گروهی) به تجربه و به خاطرات مشترک آن‌ها برمی‌گردد، و این تجارب مشترک، پیوندهای اجتماعی را تقویت و همین پیوندها پیش‌زمینه تعامل و تکرار آن بین اعضای شبکه می‌شود؛ از رهگذر چنین تعامل‌هایی، گفتگو و مباحثه بین آن‌ها شکل می‌گیرد. در گفتگوهای روزمره، فرصت‌های متنوعی برای صحبت درباره موضوعات سیاسی پیش می‌آید، و صحبت درباره سیاست در شبکه‌های روابط مردم را قادر می‌سازد تا به اطلاعات سیاسی با هزینه نسبتاً کمتری دست یابند. گفتگوهای روزمره نه تنها منبع بالقوه برخورد افکار گوناگون و اطلاعات خاص است بلکه در گفتگوهای روزمره افراد از دانش سیاسی بیش‌تری بهره‌مند شده و می‌توانند به اشکال گوناگونی از مشارکت سیاسی مبادرت ورزند.

سطح بالای سرمایه اجتماعی می‌تواند به ایجاد و انتشار گفت‌وگوها اعتراضی کمک کند. زیرا منابعی را برای سازمان‌ها و جنبش‌های اپوزیسیون فراهم می‌کند و درجه بالایی از کنش جمعی را باعث می‌شود. روابط اجتماعی غیررسمی نیز در پراکندن و انتشار اطلاعات درباره شکایت‌ها و نارضایتی‌ها نقش به‌سزایی ایفا می‌کند.

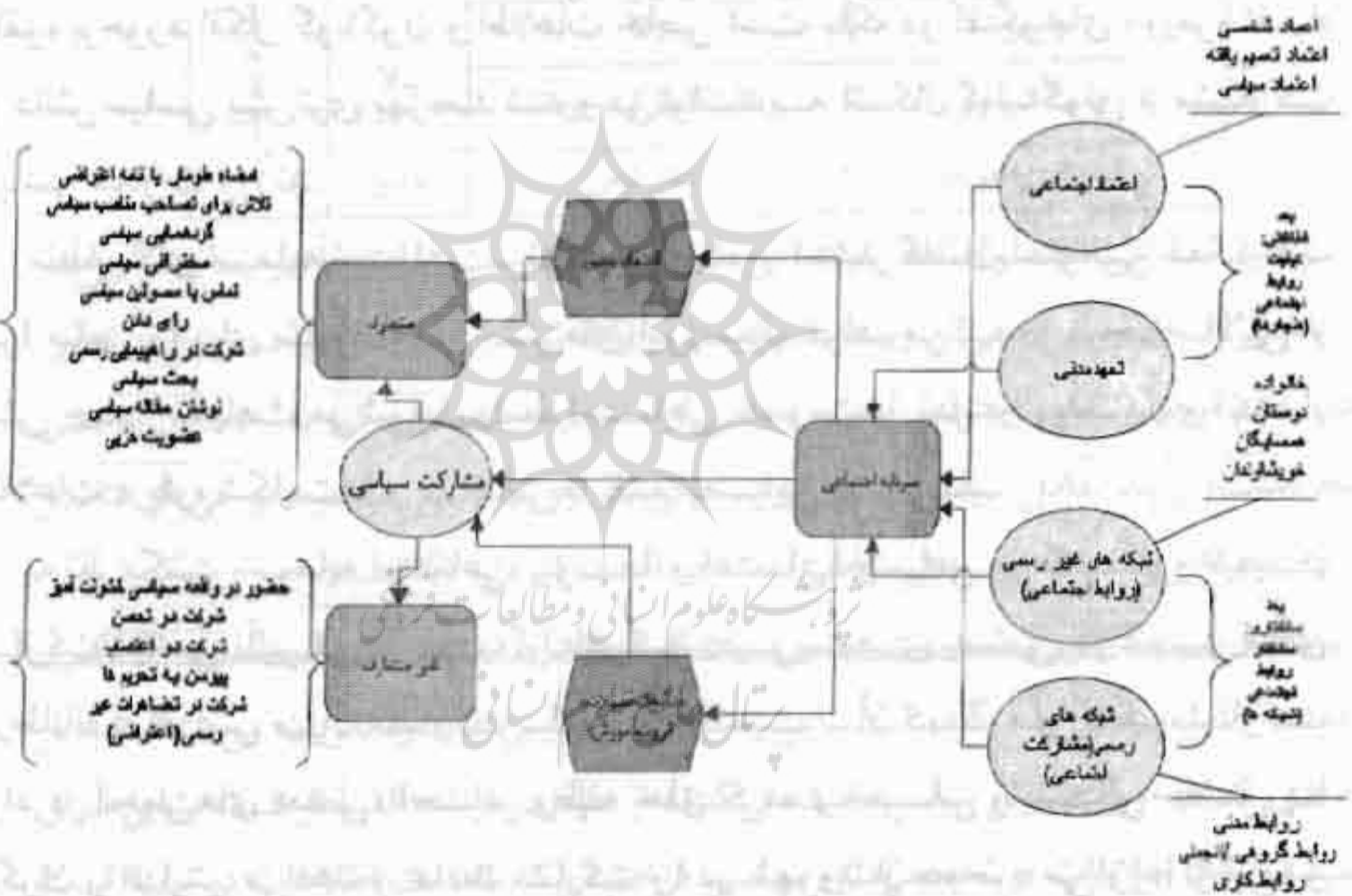
به نظر پکستن سرمایه اجتماعی، پیوندها و اعتماد اجتماعی بر کمیت و کیفیت مشارکت سیاسی تأثیر می‌گذارد؛ به گونه‌ای که عضویت‌های رسمی در انجمن‌های داوطلبانه به افزایش میزان مشارکت سیاسی - به کمیت - آن کمک می‌کند. مشارکت افراد در انجمن‌های «مدنی» احساس وظیفه خلق کرده و احساس وابستگی متقابل با دیگران را افزایش می‌دهد و عادت مشارکت را در شهروندان به وجود می‌آورد. از این رو انجمن‌ها، مشوق و محرک اعضای برای مشارکت سیاسی هستند. کریشنا بر این نظر است که گرچه سرمایه اجتماعی ممکن است مشارکت سیاسی را افزایش بدهد اما لزوماً مشارکت دموکراتیک نیست.

از طرف دیگر، قیود و الزام‌های سرمایه اجتماعی بر ماهیت مشارکت - کیفیت - تأثیر می‌گذارد؛ کیفیت مشارکت سیاسی برای نظریه‌های جامعه مدنی مهم است زیرا از ایجاد حوزه عمومی حمایت می‌کند. حوزه‌ای که خارج از اقتدارهای موجود برای آگاهی یافتن، استدلال کردن و گفت‌وگو انتقادی - عقلانی است. این فضای ایده‌آل، فضیلت‌های دموکراتیکی چون روشنفکری، تحمل و احترام به نقطه‌نظرات مخالف را

تفویت و هم‌چنین افکار عمومی معقول و آگاهی‌بخش را خلق می‌کند. در چنین حوزه و فضایی، روابط، ارتباطات و جریان اطلاعات افزایش می‌یابد. و افراد بیش‌تر در معرض مباحثه و ایده‌های سیاسی قرار می‌گیرند و افکار و ایده‌های جدید سریع‌تر در بین مردم پراکنده پخش می‌شود.

بر مبنای مباحث مطرح شده در چهارچوب نظری (به عنوان برآیندی از دیدگاه‌های نظری و منابع تجربی)، مدل نظری تحقیق در شکل (۱) ارائه شده است.

شکل شماره (۱). مدل نظری تحقیق



فرضیه‌های تحقیق

با توجه به شاخص‌ها و معرف‌های سرمایه اجتماعی فرضیه‌ها به قرار زیر می‌باشند:

فرضیه اصلی

سرمایه اجتماعی دانشجویان دانشگاه‌های تهران با میزان مشارکت سیاسی آن‌ها رابطه دارد؛ به طوری که با افزایش سرمایه اجتماعی آنان مشارکت سیاسی آن‌ها نیز افزایش می‌یابد.

فرضیات فرعی

- ۱- هر چقدر میزان اعتماد اجتماعی بین دانشجویان دانشگاه‌های تهران بالاتر باشد مشارکت سیاسی آنها نیز بالاتر خواهد بود.
- ۲- هر چقدر میزان مشارکت اجتماعی بین دانشجویان دانشگاه‌های تهران بالاتر باشد مشارکت سیاسی آنها نیز بالاتر خواهد بود.
- ۳- تعهد مدنی دانشجویان دانشگاه‌های تهران با میزان مشارکت سیاسی آنها رابطه دارد.
- ۴- اعتماد به نفس دانشجویان دانشگاه‌های تهران با میزان مشارکت سیاسی آنها رابطه دارد.

۵- اعتماد سیاسی دانشجویان دانشگاه‌های تهران با میزان مشارکت سیاسی آنها رابطه دارد.

۶- وضعیت اجتماعی - اقتصادی (منابع) دانشجویان دانشگاه‌های تهران با میزان مشارکت سیاسی آنها رابطه دارد.

روش‌شناسی

تعریف مفاهیم و مقیاس‌سازی (متغیر وابسته: مشارکت سیاسی)

متغیر تأثیرپذیرنده در تحقیق حاضر مشارکت سیاسی می‌باشد. مایرون و اینر مشارکت سیاسی را هر عمل داوطلبانه مرفق یا نامرفق، سازمان‌یافته یا بدون سازمان‌یافته، دوره‌ای یا مستمر، شامل روش‌های مشروع و نامشروع برای تأثیر بر انتخاب رهبران سیاسی و اداره عمومی در هر سطحی از حکومت محلی یا ملی تعریف می‌کند. به‌طوری که او بر سه بعد داوطلبانه بودن: حق انتخاب، و همراه با اقدام بودن، تأکید می‌کند. به‌طور کلی مشارکت سیاسی هر رفتاری که اثر یا قصد تأثیرگذاری بر نظام سیاسی را داشته باشد، شناخته شده است و بر گونه‌های متعارف و غیرمتعارف قابل تفکیک است.

منظور از اشکال متعارف مشارکت سیاسی، فعالیت‌هایی است که در چهارچوب الگوی دموکراسی نمایندگی رسماً در دسترس مردم قرار دارد: رأی دادن، فعالیت‌های مربوط به احزاب و تشکل‌های سیاسی یا دارای اهداف سیاسی، تماس با مقامات دولتی یا نمایندگان منتخب.

اشکال غیرمتعارف مشارکت سیاسی را می‌توان در چهارچوب فعالیت‌هایی دید که اگرچه بخش مهمی از فرآیند دموکراتیک و بخشی از حقوق سیاسی مردم در یک نظام دموکراتیک محسوب می‌شوند، اما بیرون از مجاری رسمی مشارکت سیاسی قرار دارند: اعتصاب‌های سیاسی، تحریم، تظاهرات، راهپیمایی، اعتراض، اشغال بعضی از مراکز به منظور بیان اعتراض سیاسی، تحصن و غیره. البته برخی انواع مشارکت سیاسی غیرقانونی تلقی می‌شوند یا جنبه خشونت‌آمیز به خود می‌گیرند (مانند تظاهرات خشونت‌آمیز، تخریب اموال عمومی، زد و خورد با پلیس یا حتی شورش).

متغیر مستقل اصلی

سرمایه اجتماعی

به‌طور کلی هدف سرمایه اجتماعی تسهیل کنش جمعی است از این‌رو هنجارها و شبکه‌هایی که امکان مشارکت افراد را در اقدامات جمعی برای کسب سود متقابل فراهم می‌کند به معنای سرمایه اجتماعی در اغلب تعریف‌ها نزدیک هست و با شاخص‌هایی چون: اعتماد اجتماعی، میزان عضویت در انجمن‌های مدنی، شبکه‌های رسمی و غیررسمی، و هنجارهای تعمیم‌یافته (تعهد، اعتماد) مورد سنجش قرار گرفته است.

معرف‌های سرمایه اجتماعی

معرف‌های سرمایه اجتماعی به دو بعد عینی و ذهنی تقسیم شده است؛ در بعد ذهنی یا شناختی معرف‌های اعتماد اجتماعی، و تعهد مدنی قرار دارند و در بعد عینی یا ساختاری، شبکه‌های اجتماعی هستند که هم روابط اجتماعی بین دوستان، همسایگان و خانواده را دربرمی‌گیرد و هم مشارکت اجتماعی و عضویت در سازمان‌ها را شامل می‌شود.

منظور از معرف روابط اجتماعی (شبکه‌های اجتماعی) میزان روابط و پیوندهایی است که فرد در زندگی روزمره خود به‌طور غیررسمی با خانواده، دوستان، با آشنایان و همسایگان و به‌طور رسمی با سازمان‌ها و نهادها دارد. به این خاطر سرمایه اجتماعی به‌عنوان مجموعه‌ای از شبکه‌های رسمی و غیررسمی تعریف می‌شود، که افراد آن را در تخصیص کالاها و خدمات مورد استفاده قرار می‌دهند. شبکه‌های اجتماعی که ماهیت غیررسمی دارند عبارتند از: روابط رودررو و بین معدودی از افراد که یکدیگر را می‌شناسند، و به واسطه پیوندهای قوم و

خویشی دوستی یا همسایگی به هم پیوسته‌اند. شبکه‌های غیررسمی نهادهایی هستند که به معنای جامعه‌شناختی مکمل آن کنش و واکنش‌های الگودار تکرار شونده‌اند، این نمادها به لحاظ قانونی به رسمیت شناخته شده نیستند. کسی که برای آن‌ها تمام وقت کار نمی‌کند؛ مقررات نوشته و منابع مالی خاص خود را دارند. سازمان رسمی به حساب نمی‌آیند؛ معمولاً فعالیت شبکه‌های غیررسمی خدماتی است که افراد خودشان در مقیاس کوچک انجام می‌دهند که مبنای ارائه آن‌ها دلبستگی با احساس تعهد به خانواده گسترده یا شبکه‌های رفاقت است. غیرقابل محاسبه‌اند؛ سازمانهای رسمی قاعده‌مندند؛ دیوان‌سالارانه اداره می‌شوند؛ و شخصیت حقوقی دارند، اعضای سازمان‌های رسمی یا افرادند یا سازمان‌هایی مثل، اتحادیه بیمارستان‌ها. روابط خانوادگی و روابط همسایگی و دوستان: میزان روابط و پیوندهایی که هر فرد در زندگی روزمره خود با اعضای خانواده، دوستان و افراد محله و همسایه‌های خود دارد، مدنظر می‌باشد.

مشارکت اجتماعی برای سنجش مشارکت اجتماعی افراد از دو مجموعه گویه مرتبط به میزان مشارکت در فعالیتهای مختلف اجتماعی (شرکت در تصمیم‌گیری‌های محله، شرکت در راهپیمایی‌ها، بازدید از نمایشگاه‌های مختلف، شرکت در رویدادهای اجتماعی مانند مراسم‌های عزاداری، جشن‌های شادی و میزان تمایل به شرکت در کارهای گروهی) و میزان عضویت سازمانی (عضویت، حضور در جلسات و کمک‌های داوطلبانه در گروه‌ها و سازمان‌هایی چون شورای صنفی، حزب یا سازمان سیاسی، انجمن اسلامی جامعه اسلامی، بسیج دانشجویی یا محله، جهاد دانشگاهی، انجمن علمی و تخصصی، کانون فرهنگی دانشجویی، هیأت‌های مذهبی، سازمان زنان و انجمن اولیاء و مربیان) استفاده شده است.

اعتماد اجتماعی به معنای باور و شناختی است که دیگران با اقدام یا خودداری از اقدام خود بر رفاه من یا ما کمک می‌کند و از آسیب زدن به من/ ما خودداری می‌کنند. بنابراین می‌توان آنرا از جنبه‌های مختلف بررسی نمود از ترکیب دوگانه توده/ نخبه و افقی/ عمودی چهار حوزه، به دست می‌آید: نخست حوزه اعتماد شهروندان به هم‌شهروندان خود یا مقوله فرعی دنیای «دیگران» است. حوزه دوم اعتماد به نخبگان سیاسی یا نخبگان سایر بخش‌ها (از قبیل رسانه‌ها، دانشگاه‌ها، ارتش، پزشکان) است. سومین حوزه اعتماد نخبگان به همدیگر و نخبگان دیگر بخش‌های تجاری کارگری، دینی، دانشگاه است. و چهارمین حوزه، اعتماد سطوح بالا با

سطوح پایین جامعه است که در آن نخبگان درباره گرایش‌های رفتاری بخش‌های مختلف یا کل توده به باورهایی دست می‌یابند. در سنجش اعتماد اجتماعی به دو نوع اعتماد شخصی و اعتماد بین‌شخصی (تعمیم یافته) تقسیم شده است، اعتماد تعمیم یافته شامل اعتماد به گروه‌های اجتماعی و اعتماد سیاسی است. الف) اعتماد شخصی (اعتماد به اعضاء خانواده، دوستان و آشنایان و افراد به‌طور عام) ب) اعتماد بین‌شخصی یا تعمیم یافته: ۱) اعتماد به گروه‌ها، شهروندان ناشناس یا دیگرانی که نمی‌شناسیم، یا اصلاً ندیده‌ایم، اعتماد به گروه‌ها و اصنافی چون پرستاران، بیمارستان، معلمان، کارمندان اداری، فروشندگان، تجار و بازاریان، اساتید دانشگاه و هنرمندان) است ۲) اعتماد سیاسی به چگونگی کارکرد سیستم سیاسی از منظر شهروندان و به ارتباط ذهنی بین شهروندان عادی با نهادهای سیاسی مدعی نمایندگی می‌باشد که در نتیجه این اعتماد، مشروعیت و کارآمدی حکومت دموکراتیک تقویت می‌شود. در سنجش آن اعتماد توده به نخبگان سیاسی، یا نخبگان سایر بخش‌ها (اعتماد به مأموران نیروی انتظامی، قضات، نمایندگان مجلس، هیأت وزیران سیاستمداران و احزاب سیاسی) مورد نظر می‌باشد.

تعهد مدنی: میل به تعلق و جزئی از جامعه بودن است. تعهد از نظر هیرشی بیانگر میزان پذیرش هدف‌های مرسوم جامعه و هم‌چنین احساس دینی است که فرد نسبت به جامعه بر دوش خود احساس می‌کند؛ به عبارت دیگر هر قدر فرد در محیط‌هایی مانند محیط تحصیل، اشتغال و خانه و مانند آن، نیاز بیش‌تری به سرمایه‌گذاری در خصوص کنش‌های موافق با جامعه احساس کند دلیل بیش‌تری خواهد داشت تا برای حفاظت از دست‌آوردهای خود، با دیگران هم‌نوا بماند. در ارتباط با سیاست می‌توان از آن به‌عنوان بعد شناختی مشارکت و دخالت در سیاست تعریف کرد و هم‌چنین احساس وظیفه برای مشارکت در سیاست است. این تعهد ذهنی به امور سیاسی با گویه‌های (علاقه به سیاست، پیگیری مستمر اخبار سیاسی، شرکت منظم در انتخابات و پیگیری و کسب آگاهی از وقایع و اتفاقاتی که در کشور می‌گذرد) سنجیده شده است.

جامعه‌آماری و روش نمونه‌گیری

جامعه آماری پژوهش، دانشجویان دانشگاه‌های تهران در سال تحصیلی ۱۳۸۵-۱۳۸۴ بوده است. واحد تحلیل، فرد و سطح تحلیل خرد می‌باشد. به‌عبارتی اطلاعات و

داده‌های تحقیق را از افراد به دست آورده ایم. هم‌چنین تکنیک جمع‌آوری اطلاعات از طریق مصاحبه، با استفاده از پرسش‌نامه می‌باشد. سپس از نرم‌افزار SPSS برای تحلیل نتایج استفاده شد. در گردآوری داده‌ها با دو سؤال، حجم نمونه و روش انتخاب نمونه روبه‌رو هستیم. حجم نمونه ۳۸۰ نفر بوده و با استفاده از فرمول کوکران تعیین شده است. در شیوه نمونه‌گیری چهار دانشگاه بزرگ تهران که شامل، دانشگاه تهران، شهید بهشتی، علامه طباطبایی و دانشگاه امیرکبیر می‌باشد، انتخاب شدند. به استثنای دانشگاه امیرکبیر که فاقد رشته‌های تحصیلی علوم انسانی می‌باشد، بقیه دانشگاه‌ها رشته‌های تحصیلی سه‌گانه علوم انسانی، علوم پایه و فنی - مهندسی را دارا می‌باشند. از هر دانشگاه به استثنای دانشگاه امیرکبیر، ۴ دانشکده، از زیرگروه‌های مختلف انتخاب شدند. دانشجویان به صورت تصادفی ساده انتخاب شدند.

یافته‌های پژوهش

توصیف ویژگی‌ها (آمارهای تک‌متغیری)

از کل حجم نمونه (۳۸۰ نفر) حدود ۴۹/۹ درصد پاسخگویان مرد و ۵۰/۱ درصد زن می‌باشند. ۹ درصد متأهل و ۹۱ درصد مجرد می‌باشند. ۱۹ درصد پاسخگویان شاغل، ۸۰ درصد آن‌ها مشغول تحصیل بوده‌اند. ۵۲ درصد در گروه تحصیلی علوم انسانی، ۱۸/۷ درصد علوم پایه، ۳۰ درصد فنی مهندسی بوده‌اند. ۵۷ درصد با والدینشان زندگی می‌کنند، ۳۴ درصد در خوابگاه دانشجویی ساکن هستند.

میانگین مشارکت سیاسی غیرمتعارف در بین پاسخگویان ۹/۷ درصد، مشارکت سیاسی متعارف ۱۸/۲ درصد می‌باشد. میانگین روابط اجتماعی ۵۵/۳ درصد، تعهد مدنی پاسخگویان ۶۳/۹ درصد، اعتماد شخصی با میانگین ۵۷/۵ درصد، اعتماد به گروه‌های اجتماعی با ۳۷/۳ درصد، اعتماد سیاسی ۳۴/۸ و اعتماد اجتماعی ۴۲/۲ درصد در جامعه آماری می‌باشد. میانگین اعتماد به نفس در بین پاسخگویان ۶۲/۲ درصد بوده، عضویت در سازمان‌های مختلف، دانشجویان خیلی پایین بوده، مشارکت اجتماعی (مشارکت در فعالیت‌های مختلف و عضویت سازمانی) ۴۲/۷ درصد می‌باشد. در مجموع میانگین سرمایه اجتماعی در بین پاسخگویان ۵۷/۳ درصد بوده است که میزان متوسط سرمایه اجتماعی در جامعه آماری را نشان می‌دهد.

جدول (۱) تحلیل واریانس رابطه دانشگاه محل تحصیل و متغیرهای مستقل و وابسته

| دانشگاه | سرمایه اجتماعی | مشارکت اجتماعی | روابط اجتماعی | تعهد مدنی | اجتماع تخصصی | اجتماع به گروه‌ها | اجتماع سیاسی | اجتماع اجتماعی | اجتماع به شهر | مشارکت سیاسی غیرمتعارف | مشارکت سیاسی متعارف | مشارکت سیاسی |
|------------|----------------|----------------|---------------|-----------|--------------|-------------------|--------------|----------------|---------------|------------------------|---------------------|--------------|
| امیرکبیر | ۶۷/۶ | ۴۷/۹ | ۱۷/۸۵ | ۶۳/۷ | ۱/۷۵ | ۳۷/۶۹ | ۲۴/۶ | ۱۲/۸۹ | ۶۳/۵۵ | ۱۴/۵۵ | ۲۲ | |
| تهران | ۵۵/۶ | ۳۷/۲ | ۱/۷۵ | ۶۳/۶ | ۵۴ | ۳۳ | ۳۱/۳ | ۳/۷ | ۶۲/۳ | ۷/۲ | ۱۵/۹۵ | |
| علامه | ۵۶/۵ | ۳۴/۴۸ | ۷/۳۷ | ۶۴/۳ | ۵۸/۳ | ۳۷ | ۶/۳۶ | ۷/۲۸ | ۵۹/۸ | ۱۱/۲۹ | ۱۸/۱۵ | |
| بهشتی | ۵۵/۷ | ۳۴/۰۷ | ۶/۳۵ | ۱/۱۶ | ۶۰ | ۲۸ | ۳/۲ | ۷/۳۱ | ۱۱/۳۶ | ۵/۲۲ | ۱۶/۲۶ | |
| میانگین کل | ۵۶/۴ | ۴۲/۸ | ۵/۴۵ | ۶۳/۵ | ۵۷/۵۹ | ۳۶/۴ | ۷/۲۴ | ۴/۳ | ۶۲/۳۴ | ۹/۷۴ | ۱۸/۲۴ | |
| معنی داری | — | — | — | — | — | — | — | — | — | ۰/۰۰۱ | ۰/۰۱۲ | |

یافته‌های جدول

یافته‌های جدول فوق حاکی از آن است که دانشجویان دانشگاه امیرکبیر بیش‌تر از دانشگاه‌های علامه، شهید بهشتی، و تهران مشارکت اجتماعی دارند. میانگین روابط اجتماعی دانشجویان دانشگاه امیرکبیر بالاتر از دانشگاه‌های تهران، علامه و شهید بهشتی است. میانگین اعتماد به نفس دانشجویان دانشگاه امیرکبیر به ترتیب بالاتر از دانشجویان دانشگاه‌های شهید بهشتی، تهران و علامه بوده است. میانگین تعهد مدنی دانشجویان دانشگاه علامه بالاتر از دانشجویان دانشگاه‌های شهید بهشتی، امیرکبیر و تهران بوده است. میانگین اعتماد تعمیم‌یافته (اعتماد به گروه‌ها) دانشجویان دانشگاه شهید بهشتی بالاتر از دانشجویان دانشگاه‌های امیرکبیر، علامه و تهران بوده است. میانگین اعتماد اجتماعی دانشجویان دانشگاه شهید بهشتی بالاتر از دانشجویان دانشگاه‌های امیرکبیر، علامه و تهران بوده است. میانگین اعتماد سیاسی دانشجویان دانشگاه علامه بالاتر از دانشگاه‌های شهید بهشتی، امیرکبیر و تهران بوده است. به‌طور کلی میانگین سرمایه اجتماعی دانشجویان دانشگاه امیرکبیر بالاتر از دانشجویان دانشگاه‌های علامه، شهید بهشتی و تهران بوده است.

از این رو میانگین مشارکت سیاسی نامتعارف دانشجویان دانشگاه امیرکبیر بالاتر از علامه، تهران و دانشگاه شهید بهشتی بوده، و رابطه این دو متغیر (محل تحصیل و مشارکت سیاسی) معنی‌دار و مثبت است. هم‌چنین میانگین مشارکت سیاسی متعارف دانشجویان دانشگاه امیرکبیر بالاتر از علامه، بهشتی و تهران بوده و رابطه این دو متغیر مثبت و معنی‌دار است.

جدول (۲) همبستگی بین متغیرهای مستقل و وابسته براساس ضریب پیرسن محاسبه شده‌اند، علاوه بر ضریب همبستگی، سطح معنی داری و یا احتمال اشتباه رابطه متغیرها نیز نشان داده شده است. حداکثر احتمال اشتباه قابل قبول از نظر آماری ۰/۰۵ (یا احتمال صحت ۹۵ درصد) می‌باشد، بنابراین آن‌گونه همبستگی‌هایی قابل قبول هستند که سطح معنی داری آن‌ها حداقل ۰/۰۵ باشد. احتمال ۹۵٪ نشان‌دهنده سطح معنی داری قابل قبول و احتمال صحت ۹۹٪ نشان‌دهنده سطح معنی داری زیاد است.

جدول شماره (۲)

| فرضیه | متغیر وابسته | میزان همبستگی | سطح معنی داری | نتیجه |
|---|-------------------------|---------------|---------------|--|
| بین مشارکت اجتماعی و مشارکت سیاسی رابطه وجود دارد | مشارکت سیاسی غیر متعارف | ۳۲۸ | ٪۹۹ | تأیید فرضیه - هرچه مشارکت اجتماعی بالاتر باشد مشارکت سیاسی نیز بالا می‌باشد |
| | مشارکت سیاسی متعارف | ۳۵۷ | ٪۹۹ | تأیید فرضیه |
| بین روابط اجتماعی و مشارکت سیاسی رابطه وجود دارد | مشارکت سیاسی غیر متعارف | ۱۰۹ | ٪۹۵ | تأیید فرضیه - هرچه روابط اجتماعی بالاتر باشد مشارکت سیاسی نیز بالا می‌باشد |
| | مشارکت سیاسی متعارف | ۰۸۹ | عدم معنی داری | رد فرضیه |
| بین اعتماد به نفس و مشارکت سیاسی رابطه وجود دارد | مشارکت سیاسی غیر متعارف | ۱۰۳ | ٪۹۵ | تأیید فرضیه - هرچه اعتماد به نفس بالاتر باشد مشارکت سیاسی نیز بالا می‌باشد |
| | مشارکت سیاسی متعارف | ۰۵۹ | عدم معنی داری | رد فرضیه |
| بین تعهد مدنی و مشارکت سیاسی رابطه وجود دارد | مشارکت سیاسی غیر متعارف | ۲۲۱ | ٪۹۹ | تأیید فرضیه - هرچه تعهد مدنی بالاتر باشد مشارکت سیاسی نیز بالا می‌باشد |
| | مشارکت سیاسی متعارف | ۳۹۹ | ٪۹۹ | تأیید فرضیه |
| بین اعتماد اجتماعی و مشارکت سیاسی رابطه وجود دارد | مشارکت سیاسی غیر متعارف | -۱۷۵ | ٪۹۹ | تأیید فرضیه |
| | مشارکت سیاسی متعارف | -۸۸ | عدم معنی داری | رد فرضیه |

● لازم به ذکر است که میانگین بین ۳۳-۰ نشانگر پایین بودن نمره جامعه آماری است و میانگین بین ۶۶-۳۳ نشانگر نمره متوسط و ۹۹ به بالا بیانگر میزان بالای نمونه آماری می‌باشد.

| | | | | |
|---|---------------|-------|----------------------------|---|
| رد فرضیه | عدم معنی داری | ۰۳۱ | مشارکت سیاسی غیر متعارف | بین وضعیت اجتماعی - اقتصادی ذهنی و مشارکت سیاسی تفاوت وجود دارد |
| رد فرضیه | عدم معنی داری | ۰۴۹ | مشارکت سیاسی متعارف | |
| تأیید فرضیه - هرچه سرمایه اجتماعی بالاتر باشد مشارکت سیاسی نیز بالا می‌باشد | ٪۹۹ | ۰۲۶۶ | مشارکت سیاسی غیر متعارف | بین سرمایه اجتماعی و مشارکت سیاسی رابطه وجود دارد |
| تأیید فرضیه | ٪۹۹ | ۰۴۴۳ | مشارکت سیاسی متعارف | |
| تأیید فرضیه - هرچه اعتماد سیاسی بالاتر باشد مشارکت سیاسی نیز بالا می‌باشد | ٪۹۹ | -۰۲۰۳ | مشارکت سیاسی غیر متعارف | بین اعتماد سیاسی و مشارکت سیاسی رابطه وجود دارد |
| رد فرضیه | عدم معنی داری | -۰۹۳ | مشارکت سیاسی متعارف | |
| تأیید فرضیه - هرچه اعتماد شخصی بالاتر باشد مشارکت سیاسی نیز بالا می‌باشد | ٪۹۰ | -۰۱۱۳ | مشارکت سیاسی غیر متعارف | بین اعتماد شخصی و مشارکت سیاسی رابطه وجود دارد |
| رد فرضیه | عدم معنی داری | -۰۸۸ | مشارکت سیاسی متعارف | |
| رد فرضیه | عدم معنی داری | -۰۰۵۷ | مشارکت سیاسی غیر متعارف | بین اعتماد تعمیم یافته و مشارکت سیاسی رابطه وجود دارد |
| رد فرضیه | عدم معنی داری | ۰۰۲۷ | مشارکت سیاسی متعارف | |
| رد فرضیه | عدم معنی داری | -۰۰۵۶ | مشارکت سیاسی غیر متعارف | بین روابط خانوادگی و مشارکت سیاسی رابطه وجود دارد |
| رد فرضیه | عدم معنی داری | -۰۰۲۴ | مشارکت سیاسی متعارف | |
| رد فرضیه | عدم معنی داری | ۰۰۷۳ | مشارکت سیاسی غیر متعارف | بین روابط همسایگی و مشارکت سیاسی رابطه وجود دارد |
| رد فرضیه | عدم معنی داری | ۰۰۰۶ | مشارکت سیاسی متعارف | |
| تأیید فرضیه - هرچه روابط اجتماعی با دوستان بالاتر باشد مشارکت سیاسی نیز بالا می‌باشد | ٪۹۹ | ۰۱۹۳ | مشارکت سیاسی غیر متعارف | بین روابط اجتماعی با دوستان و مشارکت سیاسی رابطه وجود دارد |
| تأیید فرضیه | ٪۹۹ | ۰۱۸۷ | مشارکت سیاسی متعارف | |

رگرسیون چند متغیری*

شکل شماره (۲). مدل نظری نهایی و تأیید شده تحقیق؛ رگرسیون مشارکت سیاسی نامتعارف بر اساس سرمایه اجتماعی ($R^2 = 0/108$) و ابعاد آن ($R^2 = 0/107$).



همان طوری که شکل فوق نشان می‌دهد، از ابعاد سرمایه اجتماعی، معرف‌های مشارکت اجتماعی، تعهد مدنی و اعتماد اجتماعی وارد مدل شده‌اند و معرف روابط اجتماعی معنی‌داری خود را از دست داده است. یعنی در مجموع این سه معرف توانسته‌اند از واریانس مشارکت سیاسی غیر متعارف را تبیین نمایند ($R^2 = 0/158$) می‌باشد. به عبارت دیگر از کل واریانس مشارکت سیاسی غیر متعارف، ۱۵ درصد آن توسط این سه متغیر تبیین شده و بقیه به عوامل دیگری برمی‌گردند که مورد سنجش قرار نگرفته‌اند. هر سه معرف، تأثیر مثبتی بر مشارکت سیاسی غیر متعارف دارند. در بین این معرف‌ها مشارکت اجتماعی بیش‌ترین میزان تبیین این متغیر را داشته است. هر چه که مشارکت اجتماعی فرد بالا بوده، مشارکت سیاسی غیر متعارف او نیز بالا بوده است. Beta میزان متغیر وابسته را پیش‌بینی می‌کند یعنی به ازای هر واحد افزایش یا کاهش

* با استفاده از این الگو تأثیر مجموع متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته مورد محاسبه قرار می‌گیرد. اهمیت این روش این است که امکان به‌کارگیری آن برای تبیین هم‌زمان روابط چندین متغیر مستقل با متغیر وابسته می‌باشد، اساس این الگو بر این مبناست که حضور متغیرها در تبیین متغیر وابسته در کنار هم سنجیده می‌شود. و با محاسبه ضرایب همبستگی جزئی و تفکیکی، تنها متغیرهایی که به‌طور خالص نقش معنی‌داری در افزایش تبیین واریانس متغیر وابسته داشته باشند مشخص می‌گردند.

در متغیر مستقل، میزان افزایش یا کاهش متغیر وابسته را پیش‌بینی می‌کند. همان‌گونه که از شکل شماره (۲) پیداست اگر سایر متغیرهای مستقل ثابت نگه داشته شوند، به ازای یک واحد افزایش در مشارکت اجتماعی، مشارکت سیاسی غیرمسالمت‌آمیز ۰/۳۲۸ واحد افزایش خواهد یافت. اما اعتماد اجتماعی رابطه منفی با مشارکت سیاسی غیرمتعارف دارد و ۰/۲۲۲. - از مشارکت سیاسی غیرمتعارف را تبیین می‌نماید؛ یعنی با افزایش اعتماد اجتماعی مشارکت سیاسی غیرمتعارف کاهش می‌یابد.

در مجموع نیز خود سرمایه اجتماعی ۰/۱۰۸ از واریانس مشارکت غیرمتعارف را تبیین می‌نماید. به گونه‌ای که هر چه سرمایه اجتماعی افزایش یابد مشارکت سیاسی غیرمتعارف نیز افزایش می‌یابد.

شکل شماره ۳. مدل نظری نهایی و تأیید شده تحقیق؛ رگرسیون مشارکت سیاسی متعارف بر اساس سرمایه اجتماعی ($R^2 = 0/195$) و ابعاد آن ($R^2 = 0/236$) (در میان کل پاسخگویان) ($N = 380$)



همان‌طوری که از یافته‌های شکل شماره (۳) پیداست از بین معرف‌های سرمایه اجتماعی، مشارکت اجتماعی، تعهد مدنی و اعتماد اجتماعی وارد تحلیل شده‌اند، و روابط اجتماعی معنی‌داری خود را از دست داده و از مدل خارج شده است. یعنی از معرف‌های سرمایه اجتماعی این سه متغیر ۲۳ درصد از واریانس مشارکت سیاسی متعارف را تبیین می‌نمایند ($R^2 = 0/236$). در بین این سه معرف، تعهد مدنی با ۰/۱۵۷ بیش‌ترین میزان تبیین متغیر وابسته و مشارکت اجتماعی و اعتماد اجتماعی در مرتبه

بعدی قرار دارند. پس هر چه تعهد مدنی و مشارکت اجتماعی فرد بالا بوده، مشارکت سیاسی متعارف او نیز بالا بوده است. اما همانند مشارکت غیرمتعارف، اعتماد اجتماعی رابطه منفی و معنی داری دارد؛ هر چه اعتماد اجتماعی فرد بالا بوده، مشارکت سیاسی متعارف او پایین بوده است.

بحث و نتیجه گیری

آنچه می توان به عنوان لب کلام سرمایه اجتماعی و مشارکت سیاسی بیان کرد این است که ریشه فعالیت های سیاسی از بسترها و زمینه های غیرسیاسی نشأت می گیرد. بدین منظور از روابط نزدیک خانوادگی، دوستی، همسایگی گرفته (شبکه های غیررسمی)، تا گروه های ثانویه و انجمن ها و سازمان های غیرسیاسی تا سیاسی، (شبکه های رسمی) به عنوان بسترهای غیرسیاسی و هم چنین هنجارهای همکاری متقابل (تعهد مدنی و اعتماد اجتماعی) مورد توجه قرار گرفتند. به عبارتی تمرکز بر ساختارها و هنجارهایی است که کیفیت روابط اجتماعی را بهبود می دهند و همکاری افراد را برای نیل به اهداف و منافع متقابل توسعه می دهند. نتایجی که پس از آزمون فرضیه ها به دست آمده به قرار زیر می باشد.

نتایج حاصل از تحلیل های دو متغیری ضریب همبستگی و رگرسیون نشان می دهد که بین متغیرهای سرمایه اجتماعی و مشارکت سیاسی متعارف و غیرمتعارف، رابطه مثبت و معنی داری وجود دارد. از این رو فرضیه اصلی پژوهش با توجه به داده های آماری تأیید می شود. یعنی هر چه قدر سرمایه اجتماعی دانشجویان بالا برود مشارکت سیاسی آنها نیز افزایش می یابد. به این دلیل است که موقعیت مناسب فرد در ساختار اجتماعی گسترده تر (از قبیل مشارکت در سازمان های اجتماعی، درگیر شدن در شبکه های اجتماعی، و داشتن روابط) به طور مستقیم حالات روانی مثبتی را از قبیل هدفمند بودن، شناخت ارزش خود، احساس امنیت و احساس تعلق و تعهد را به وجود آورد و در نتیجه اعتماد را در افراد افزایش می دهد و کنش مشارکت جویانه در فعالیت های سیاسی افراد را باعث می شود. اما منزوی شدن و کاهش روابط اجتماعی باعث افزایش احساس بیگانگی در فرد می شود.

لازم به ذکر است که میانگین سرمایه اجتماعی دانشجویان متوسط رو به بالاست. ۵۶٪ اما مشارکت سیاسی آنها پایین (۱۸٪ متعارف و ۹٪ نامتعارف) است. پس عوامل تعیین کننده

دیگری غیر از سرمایه اجتماعی بر مشارکت تأثیر گذارند که علی‌رغم افزایش سرمایه اجتماعی مشارکت سیاسی در سطح پایینی قرار دارد.

ضرایب همبستگی مربوط به معرف‌های سرمایه اجتماعی، مشارکت اجتماعی، روابط اجتماعی، تعهد مدنی و اعتماد اجتماعی در بین کل پاسخگویان تحقیق نشان می‌دهد: روابط اجتماعی رابطه مثبت و معنی‌داری با مشارکت سیاسی غیرمتعارف دارد. با افزایش روابط اجتماعی این‌گونه مشارکت افزایش می‌یابد. این متغیر با مشارکت سیاسی متعارف رابطه ندارد. از سوی دیگر روابط اجتماعی از مجموع سه معرف روابط خانوادگی، روابط همسایگی و روابط دوستی تشکیل یافته است. در میان این معرف‌ها، تنها روابط با دوستان است که با هر دو گونه مشارکت رابطه مثبت و معنی‌داری دارد. به‌خاطر اعتمادی که دوستان به هم دارند و تبادل اطلاعاتی که از رهگذر اعتماد به‌دست آورده‌اند، توانسته‌اند در کنش‌های متعارف و غیرمتعارف با همدیگر همکاری نمایند. اما در تحلیل رگرسیونی متغیر روابط اجتماعی با قرارگرفتن در کنار دیگر ابعاد سرمایه اجتماعی در معادله، معناداری خود را از دست داده است.

مشارکت اجتماعی: در تحلیل همبستگی رابطه مثبت با سطح معنی‌داری بالایی با هر دو نوع مشارکت سیاسی دارد. براساس نتایج ضرایب همبستگی مشاهده می‌گردد که بین مشارکت اجتماعی با هر دو نوع مشارکت سیاسی رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد.

تعهد مدنی: این بعد از سرمایه اجتماعی رابطه مثبت و سطح معنی‌داری بالایی با هر دو نوع مشارکت سیاسی داشته است. به عبارت دیگر هر چه قدر تعهد مدنی دانشجویان بالا برود مشارکت سیاسی آن‌ها نیز بالا می‌رود. براساس نتایج تحلیل رگرسیونی مشاهده می‌گردد که تعهد مدنی بعد از مشارکت اجتماعی دومین عامل تبیین‌کننده مشارکت سیاسی غیرمرسوم بوده است؛ یعنی هر چه فرد به مسائل سیاسی کشور علاقه‌مند و حساس است در فعالیت‌های غیرمرسوم نیز حضور بیش‌تری از خود به نمایش می‌گذارد. این معرف بیش‌ترین میزان تبیین مشارکت سیاسی متعارف را داشته است. احساس تعهد و دین نسبت به جامعه باعث مداومت و حضور کنشگر در امر سیاسی می‌شود.

اعتماد اجتماعی: در ضرایب همبستگی، اعتماد اجتماعی با مشارکت سیاسی غیرمتعارف رابطه معنی‌دار و منفی دارد. اما با مشارکت سیاسی متعارف رابطه ندارد اعتماد اجتماعی از سه

شاخص، اعتماد شخصی و اعتماد به گروه‌ها و اعتماد سیاسی تشکیل یافته است، که اعتماد شخصی رابطه منفی با مشارکت سیاسی غیرمرسوم دارد. به عبارت دیگر هر چه اعتماد شخصی فرد بالا برود، مشارکت سیاسی غیرمتعارف وی کاهش می‌یابد، می‌توان چنین بیان کرد که دوگونه اعتماد وجود دارد. اعتماد عمیق که بین خانواده و دوستان و آشنایان وجود دارد و اعتماد سطحی که منجر به اعتماد به غریبه‌ها می‌شود، اعتماد سطحی یا رقیق است که امکان همکاری با دیگر افراد را بیش‌تر می‌کند؛ یعنی تصور ذهنی مثبت که از دیگران ایجاد می‌شود. چون مشارکت غیرمسالمت‌آمیز، اکثر مواقع نیاز به تعداد افراد زیاد دارد، آنهایی که اعتماد شخصی و عمیقی به همدیگر دارند، روی کنش دیگران، ناآشنا، حساب باز نمی‌کنند در نتیجه در هم‌چون فعالیت‌هایی کمتر شرکت می‌کنند.

اعتماد سیاسی، درضریب همبستگی دو متغیری، رابطه منفی با سطح معنی‌داری بالایی با مشارکت سیاسی غیرمتعارف دارد. به عبارت دیگر هر چه قدر اعتماد سیاسی دانشجویان بالا برود، مشارکت سیاسی غیرمتعارف آن‌ها کاهش می‌یابد. این متغیر با مشارکت سیاسی متعارف رابطه مثبت دارد.

با توجه به مدل بندورا که در صورت وجود اعتماد به نفس بالا و اعتماد سیاسی پایین، رفتار غالب شهروندان، اعتراضی است، تأیید نمی‌شود زیرا میانگین مشارکت سیاسی مسالمت‌آمیز پاسخگویان تقریباً دو برابر مشارکت غیرمرسوم آن‌هاست. شاید دلیل این امر به هزینه‌های این نوع مشارکت برگردد که هزینه‌های بالایی می‌تواند داشته باشد. در کل مشارکت سیاسی پاسخگویان پایین می‌باشد، اگر پایین بودن مشارکت سیاسی را به منزله بی‌تفاوتی سیاسی یا رفتار انزواجویانه پاسخگویان در نظر بگیریم، باید بر حسب فرمول بندورا، اعتماد سیاسی و اعتماد به نفس پاسخگویان پایین بوده باشد. اما میانگین اعتماد سیاسی آن‌ها پایین و اعتماد به نفس‌شان بالا بوده، پس نظر بندورا به‌طور کامل با یافته‌ها همخوانی ندارد.

در تحلیل‌های رگرسیونی اعتماد اجتماعی هم با مشارکت سیاسی متعارف و هم غیرمتعارف رابطه منفی و معنی‌داری دارد. که به‌صورت معماگونه درمی‌آید؛ به‌گونه‌ای که اعتماد اجتماعی تأثیر منفی بر هر دوگونه مشارکت دارد. در مشارکت غیرمتعارف انتظار می‌رود که هر چه اعتماد اجتماعی پایین باشد مشارکت غیرمتعارف بالا است و بالعکس. می‌توان چنین بیان کرد که اگر اعتماد را باور و شناختی نسبت به دیگران بدانیم که آن‌ها با اقدام یا خودداری از اقدام خود بر رفاه فرد یا گروه کمک می‌کنند و از آسیب‌زدن به فرد یا

گروه خودداری می‌کنند؛ منفی بودن و پایین بودن این باور، نشان از ضعف پیوندهای اجتماعی دارد که نمی‌توان بر حسن رفتار دیگری حساب کرد. از این رو همکاری جمعی برای نفع مشترک پایین می‌آید و این خودیگانگی و کناره‌گیری از رفتارهای جمعی، فعالیت‌های تندروانه و بسیج افراطی را تقویت می‌کند.

اعتماد به نفس: در ضریب همبستگی دو متغیری، اعتماد به نفس فقط با مشارکت سیاسی غیرمتعارف رابطه مثبت و قابل قبولی دارد. اما با مشارکت سیاسی متعارف رابطه ندارد. دلیل این امر می‌تواند چنین باشد که در مسائل غیرمتعارف که در آن فعالیت سیاسی کاملاً استرس‌زا و نسبتاً هزینه‌بر است افرادی که اعتماد به نفس بالایی دارند، به گونه‌ای با این مسائل کنار می‌آیند و فعالیت سیاسی می‌کنند. هم‌چنین اعتماد به نفس به شدت با احساس تأثیرگذاری سیاسی ارتباط دارد و چنین اشخاصی احتمالاً نقش‌های فعال سیاسی را می‌پذیرند. هم‌چنین ترکیب اعتماد سیاسی با اعتماد به نفس که نمره اعتماد سیاسی دانشجویان پایین است و اعتماد به نفس آن‌ها بالاست انتظار رفتار اعتراضی و غیرمتعارف افزایش می‌یابد.

در متغیرهای زمینه‌ای، متغیر وضعیت اجتماعی و اقتصادی با هر دو نوع مشارکت رابطه‌ای نداشت. و فرضیه تحقیق در این مورد تأیید نشد، و در تحلیل رگرسیونی با قرار گرفتن در کنار دیگر متغیرها از تحلیل خارج شده است.

پیشنهادات

الف) پژوهشی

- ۱- با توجه به این که مشارکت سیاسی مسئله‌ای کاملاً پیچیده و گسرنده می‌باشد بنابراین در تعریف و تعیین گویه‌های مشارکت سیاسی سعی گردد به گویه‌های ملموس‌تر که بتواند راهکارهای اجرایی داشته باشد تنظیم گردد. پیشنهاد می‌شود در این زمینه تأثیر سرمایه اجتماعی بر میزان رأی‌دهی مورد توجه قرار گیرد. هم‌چنین روش دیگری به کار رود که به عدم مشارکت شهروندان نیز بتوان پاسخ داد.
- ۲- برای گسترش مطالعات مربوط به سرمایه اجتماعی، یکی از مشکلات به مفهوم‌سازی و تعیین معرف‌های آن - بخاطر گستردگی ابعاد و عدم اتفاق نظر در تعریف و سنجش این مفهوم - برمی‌گردد. به طوری که ممکن است دو گونه تحقیق در زمینه سرمایه اجتماعی انجام گیرد، اما هر کدام از آن‌ها معرف‌های متفاوتی به کار گیرند

که هیچ تقارنی بین آنها وجود نداشته باشد. بنابراین برای این که نتایج تحقیقات را بتوان با هم مقایسه کرد و به تعمیم‌های نظری رسید، پیشنهاد می‌شود از مفهوم‌سازی جدید پرهیز شود و از الگوی سنجش پیمایش ارزش‌های جهانی پیروی شود، بدین منظور در حوزه مسائل و پدیده‌های سیاسی کارهای رابرت پاتنام و پکستن می‌تواند الگوی کارهای بعدی قرار گیرد.

۳- بنا به گفته کریشنا؛ سنجش سرمایه اجتماعی بر مبنای عضویت سازمانی و تأکید بر انجمن‌ها و احزاب در کشورهای جهان سوم معیار مطلوبی نیست چون چنین سازمان‌هایی چندان گسترش نیافته‌اند بل که باید به ارزش‌ها و هنجارها تأکید شود. پیشنهاد می‌شود در سنجش سرمایه اجتماعی برخلاف اجماع نظریه پردازان این حوزه بر عضویت سازمانی، معرف‌های دیگری با توجه به بستر فرهنگی هر جامعه مورد توجه قرار گیرند.

ب) اجرایی

با توجه به ارتباط مثبت و معنی‌دار سرمایه اجتماعی و مشارکت سیاسی از یک سو، و اهمیت مشارکت سیاسی در بسط دموکراسی، توسعه سیاسی، ایجاد مشروعیت نظام سیاسی و مقبولیت متولیان امر سیاسی توجه به عوامل زیر ضروری به نظر می‌رسد:

۱- هم‌چنان که اشاره شد سرمایه اجتماعی تأثیر مثبتی بر مشارکت سیاسی افراد می‌گذارد. یعنی هرچه سطح سرمایه اجتماعی در جامعه توسعه یابد مشارکت سیاسی شهروندان آن جامعه افزایش می‌یابد. بنابراین یکی از راه‌های افزایش مشارکت سیاسی در جامعه تقویت سرمایه اجتماعی آن جامعه می‌باشد. پس برای نیل به این هدف باید ابعاد سرمایه اجتماعی مورد توجه قرار گیرد. به عبارت دیگر باید تلاش شود تا بسترهای مناسب برای مشارکت در فعالیت‌های مختلف اجتماعی و عضویت در انجمن‌های داوطلبانه در جامعه ایجاد گردد، هم‌چنین روابط اجتماعی متقابل با دوستان و آشنایان، تعهد مدنی و خودباوری شهروندان افزایش یابد.

۲- با توجه به تأثیر مثبت مشارکت اجتماعی بر مشارکت سیاسی، لزوم ایجاد شرایط و بسترهای مناسب برای تشویق و سوق افراد به رویدادهای اجتماعی فراهم شود. یکی از شیوه‌های گسترش مشارکت اجتماعی، سازمان‌ها و انجمن‌های داوطلبانه و غیردولتی

است، برنامه‌ریزان باید موانع ساختاری بر سر راه چنین سازمان‌هایی را از پیش رو بردارند و از این سازمان‌ها حمایت کنند. به‌طوری که اسکاچ پل به این مسئله تأکید می‌کند که «اعتقاد به این فرض که اوج رشد جامعه مدنی جایی است که دولت‌ها عقب بنشینند اشتباه است، بل که رشد جامعه مدنی و انجمن‌ها و سازمان‌ها جایی است که دولت‌ها فعالانه به تشریق آن‌ها پردازند».

۳- با توجه به یافته‌های تحقیق، یکی از مهم‌ترین تبیین‌کننده‌های مشارکت سیاسی، اعتماد سیاسی می‌باشد. برای افزایش آن، مسئولین باید به وعده و وعیدهای خود عمل نمایند. هم‌چنین از دیگر راه‌های حفظ و افزایش اعتماد اجتماعی این است که گفتار و رفتارهایی که باعث بی‌اعتمادی شود، پرهیز شود. به‌نظر می‌رسد اعتماد سیاسی ملازمت ننگانگ با: «آزادی، توافق تعارضی، قانون، مردم‌سالاری، مشارکت عمومی، توسعه مقابل قانون، رعایت حیطه خصوصی زندگی افراد، آستانه بالای تحمل سیاسی اجتماعی، آستانه پایین دگرسازی، به رسمیت شناختن اقلیت‌های قومی، مذهبی و فرهنگی، حاشیه‌زدایی اجتماعی (پرهیز از درجه‌بندی شهروندان) حاکمیت الگوها، تأمین و حفظ کرامت و منزلت انسان و شایسته‌سالاری» دارد.

۴- باید اذعان کرد که نقطه تلاقی سرمایه اجتماعی و مشارکت سیاسی در سازمان‌ها و انجمن‌های داوطلبانه‌ایست که در جامعه مدنی رشد و نمو پیدا می‌کنند. پس پویایی و تحرک جامعه مدنی نکته‌ایست که باید بدان توجه نمود. با گسترش جامعه مدنی و به تبع آن با رشد سازمان‌ها و انجمن‌های داوطلبانه، این انجمن‌ها و سازمان‌ها هستند که عضویت و فعالیت در آن‌ها اعتماد، همکاری و روابط اجتماعی بین شهروندان افزایش پیدا می‌کند. گسترده‌گی انجمن‌های موازی باعث پراکندن اعتماد تعمیم‌یافته در سطح جامعه می‌شود. اما هنگامی که جامعه مدنی ضعیف است، سطح فراگیر بی‌اعتمادی در جامعه حاکم می‌شود و شهروندان برای رفع مشکلات خود به سرمایه اجتماعی غیررسمی متکی می‌شوند تا نهادهای رسمی دولت و بیش‌تر آن‌ها به تعاملات خصوصی رری می‌آورند. و افراد فاقد تعاملات صمیمی فقط به خودشان متکی می‌شوند که چنین جامعه‌ای ره به‌سوی ذره‌ای شدن می‌برد.

۵- هر چند سرمایه اجتماعی موجودی است که از روابط اجتماعی ناشی می‌شود، اما اگر همین روابط در مسائل و کالاهای عمومی حالت انحصاری به خود بگیرد منجر به بی‌اعتمادی

می‌شود، به‌خصوص زمانی که تقاضاها زیاد و فرصت‌ها محدود می‌باشد، افراد برای دستیابی به فرصت‌های محدود به انواع و اقسام رفتارهای غیراجتماعی دست می‌زنند که آسیب‌های جبران‌ناپذیری به اعتماد اجتماعی وارد می‌سازد. به‌طوری که مسئله پارتی‌بازی جزئی از روابط اجتماعی می‌باشد (سرمایه اجتماعی محدود) یعنی روابط جای ضوابط حکم‌فرمایی کند به‌لحاظ این که چنین مسائلی بیش‌تر به ارگان‌های دولتی مرتبط است اگر جزء باور عمومی شود اعتماد اجتماعی و اعتماد سیاسی را تقلیل می‌دهد. اینجاست که ابعاد مختلف سرمایه اجتماعی باید به‌طور هم‌زمان و متناسب توسعه یابند چرا که این مؤلفه‌ها با همدیگر رابطه متقابل و هم‌زمان دارند پس لازم است مکانیسمی اتخاذ گردد که گذر از سرمایه اجتماعی درون‌گروهی به برون‌گروهی بسر شود.

به نظر چلبی، فرسایش سرمایه اجتماعی منجر به اختلال رابطه‌ای می‌شود. در شرایط اختلال رابطه‌ای، احترام متقابل اجتماعی و انصاف اجتماعی کاهش می‌یابد. این اختلال، استحکام اجتماع را خدشه‌دار می‌کند و آسیب‌پذیری فرد را افزایش می‌دهد؛ زیرا اختلال رابطه‌ای می‌تواند به انزوای اجتماعی، یأس، احساس عجز و انفعال‌گرایی منجر شود.^(۳۹) پس ضرورت ایجاد، حفظ و گسترش آن لازم است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

مجله علمی-پژوهشی مطالعات اجتماعی

شماره ۱۳، زمستان ۱۳۹۳

صفحه ۱۸۳-۱۹۳

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

مجله علمی-پژوهشی مطالعات اجتماعی

شماره ۱۳، زمستان ۱۳۹۳

صفحه ۱۸۳-۱۹۳

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

مجله علمی-پژوهشی مطالعات اجتماعی

شماره ۱۳، زمستان ۱۳۹۳

صفحه ۱۸۳-۱۹۳

کتابشناسی:

1. Venla Salmi and Janne Kivivuori. "The Association between Social Capital and Juvenile Crime" the role of individual and structural factors, *European Journal of Criminology*. 2006, Vol.3(2):123-148.
۲. محمد عبداللهی و میرطاهر موسوی، «سرمایه اجتماعی در ایران؛ وضعیت موجود، دورنمای آینده، و امکان‌شناسی گذار»، فصلنامه رفاه/اجتماعی، (۱۳۸۶) شماره ۲۵ سال ششم، تابستان، ص ۲۱۶. و همچنین بنگرید به: پیمایش ملی ارزش‌ها و نگرش‌ها در ایرانیان، مجری: دبیرخانه شورای فرهنگ عمومی کشور، ۱۳۷۹. و بنگرید به:
- عبدالمحمد کاظمی پور، سرمایه اجتماعی در ایران؛ تحلیل ثانویه پیمایش‌های ۱۳۸۳-۱۳۵۳، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، دفتر طرح‌های ملی، (۱۳۸۳)، ص ۹۳.
۳. پیمایش ملی ارزش‌ها و نگرش‌ها در ایرانیان، پیشین.
۴. رابرت ادواردز و فولی «جامعه مدنی و سرمایه اجتماعی - فراتر از آراء پاتنام»، در مجموعه مقالات سرمایه اجتماعی/اجتماعی، تهران: نشر شیرازه (۱۳۸۴)، ص ۳۹۴.
5. Salmi and Kivivuori, Op.Cit, PP.123-148
6. Pamela Paxton. "social capital and Democracy :an International Relationship" *American Sociological Revive*, 2002, Vlo.67, April:254-277.
7. Anirudh Krishna "Enhancing on political participation in Democracies(What is the Role of social capital?)", *Comparative Political studies*, 2002, Vlo.35, No.4:437-460.
8. *Ibid*, pp. 437-460
۹. علی ربیعی، جامعه‌شناسی تحولات ارزشی: نگاهی به رفتارشناسی رأی‌دهندگان در دوم خرداد ۱۳۷۶، تهران: فرهنگ و اندیشه، ۱۳۸۰، ص ۳۶.
10. (Narriian, 2002:27-Norris pippa chapter2
11. (Narriian, 2002:28)
۱۲. فرانسیس فوکویاما، «سرمایه اجتماعی و جامعه مدنی»، در کتاب سرمایه اجتماعی: اعتماد، دمکراسی و توسعه، تهران، نشر شیرازه، (۱۳۸۴)، ص ۱۷۷. *رساله‌های علوم انسانی*
۱۳. روبرت پاتنام، دمکراسی و سنت‌های مدنی (تجربه ایتالیا و درس‌هایی برای کشورهای در حال گذر) ترجمه محمدتقی دلفروز، تهران دفتر مطالعات و تحقیقات وزارت کشور (۱۳۸۰) چاپ اول، ص ۱۶۱.
14. Dag Wollbeak And Selle Per. " Does participation in Voluntary Association Contribute to social capital? ". *The Impact of Intensity, Scope and Type. Nonprofit and Voluntary Sector Quarterly*, 2002, Vlo.31, No.1 March: 32-61.
15. Ji-Young Kim "'Bowling Together" Is not a Cure-all:the Relationship Between Social Capital And Political Trust in South Korea". *International Political Science Revive* .2005 ,Vol. 26, No.2:193-213.
16. William Mishler and Richard Rose. "What Are the Origins of Political Trust? Testing Institutional and Cultural Theories in Pos Communist Societies". *Comparative Political Studies*. 2001, Vol. 34, No.1 February:30-62.
17. Michelle Benson and R. Rochon Thomas. "Interpersonal Trust and the Magnitude of Protest a Micro and Macro level Approach". *Comparative Political Studies*. 2004, Vol 37, No.4 may:435-457
۱۸. لیستر میلبرث و لیل گونل، مشارکت سیاسی (ترجمه سید رحیم ابوالحسنی)، تهران، نشر میزان (۱۳۸۱)، چاپ اول، ص ۱۱۰.
19. Kenneth Newton. "Trust, social capital, civil society, and Democracies". *International Political*

Science Revive, 2001, Vlo.22, No.2: 201-214.

20. kim, *Op. Cit.*, PP. 193-213.

۲۱. علی ربیعی، پیشین، ص ۱-۳۹.

22. Ronald Lake And Robert Huckfeldt. "social capital, social network, and political participation" *political Psychology*, 1988, Vlo.19, No.3:576-583.

23. *Ibid*, p. 571.

24. Ken chi Ikeda. "social capital and social communication in Japan: Analysis on survey Data on political participation before and during the General Election 2000". *Japan Journal of Electoral Studies* 2002, Vlo. 17.

25. Paxton, *Op. Cit.*, P. 257)

26. *Ibid*, p.258.

27. Krishna, *Op. Cit.*, P.448.

28. *Ibid*, p.258.

۲۹. کاووس سید امامی، مشارکت سیاسی دانشجویان: ارزیابی برخی از پیش‌بینی کننده‌های مشارکت سیاسی، پژوهش‌نامه علوم سیاسی، (۱۳۸۶) سال دوم، شماره ۱. بهار، ص.

۳۰. مایکل وولکاک و دیا ناریان، «سرمایه اجتماعی و تبعات آن برای توسعه»، در کتاب سرمایه اجتماعی: اعتماد، دمکراسی و توسعه، تهران، نشر شیرازه، (۱۳۸۴)، ص ۵۳۸.

۳۱. (روز، ۱۳۸۴: ۷۶-۵۷۵)

۳۲. کلاووس انه، «چگونه می‌توان به شهروندان اعتماد داشت؟»، در کتاب سرمایه اجتماعی: اعتماد،

دمکراسی و توسعه، تهران، نشر شیرازه، (۱۳۸۴)، ص ۲۱۲.

۳۳. همان: ۲۰۶-۲۳۲.

34. Mishler & Rose, *Op. Cit.*, pp:33-37.

35. Joseph L. Klesner. "Social Capital and Political Participation". paper prepared for the Annual Conference of the Aamerican political Science Association August.2002.

۳۶. یان رابرتسون، درآمدی بر جامعه (ترجمه حسین بهروان)، مشهد: مؤسسه چاپ و انتشارات آستان

قدس رضوی، (۱۳۷۴) ص ۱۷۵، نگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تحلیل تحولات جاری در

۳۷. محمدرضا تاجیک، مداخلی بر امنیت اجتماعی / امنیت اجتماعی شده، مجموعه مقالات و سخنرانی

همایش امنیت اجتماعی، زیر نظر معاونت اجتماعی ناجا، تهران: نیروی انتظامی، انتشارات گلپونه،

(۱۳۸۴) شماره ۱، ص ۸۰.

۳۸. مسعود چلی، جامعه‌شناسی نظم: تشریح و تحلیل نظم اجتماعی، چاپ اول، تهران: نشر نی، (۱۳۷۵)،

ص ۱۴۷.